

متن پرسش

سلام علیکم: نظر جناب عالی در مورد فرمایشات جناب عباسی که در زیر می آید چیست؟ «... یکی از مهم ترین تفاوت های جامعه مهدوی با مدنیت مفهوم «هجر» می باشد. هجر یک کلمه حبشی و به معنای شهرنشینی است. سؤالی که در اینجا مطرح می شود، این است که چرا در قرآن از واژه «هجر» استفاده شد، نه از واژه مدنیت؟! پاسخ این است که چون مدنیت، نوعی ایستایی و سکونت و ساکن شدن را در درون خود دارد، ولی در مهدویت، سکونت موضوعیت ندارد، بلکه «هجر» موضوعیت دارد. مهاجر بودن ارزش است. در این که مبدأ تاریخ در اسلام، هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه شد، نکاتی نهفته است. هجرت ارزش دارد. در قرآن هم همواره بیان شده است که: «ان الذین امنوا و هاجروا...» (۱) طبق معارف قرآن، هجرت کردن ارزش دارد، نه ایستایی و سکون، شهرنشینی در جامعه مهدوی همراه با حرکت و متعالی شدن است. پس هجرت و مهاجرت در مقابل تمدن می باشد. چه کسی گفته است که اسلام دنبال تمدن است؟ عدم درک درست از کلمات قرآن و معصومین (ع) این انحراف را ایجاد کرده است...»

متن کامل: ویژگی های

جامعه هجری و مدنی ویژگی های جامعه هجری (اسلامی) و جامعه مدنی (غربی) را پس از مطالعه با وضع موجود جامعه خودمان مقایسه کنید... تبیین جامعه ای که حضرت مهدی (عج) خواهد ساخت، گزاره ای است که باید در بعد عقلانی به آن پردازیم. افق نمایی این جامعه در سیاست استراتژیک و در گزینه های آینده شناسی، بحث بسیار مهمی می باشد. جامعه ای که امام زمان (عج) محقق می کند چیست؟ یا بهتر بگوییم، چه چیز نیست؟ مگر این طور نیست که بسیاری از گزینه ها که امروز وجود دارد بدعت است و باید از بین برود؟ مگر مهم ترین کارکرد حضرت مهدی (عج) در حرکت مقدسش بدعت زدایی نیست؟ تبیین جامعه مهدوی یکی از شاخص های حرکت استراتژیک در تبیین آینده است. شاخص نظام متمدن امروز در تبیین حرکت اجتماعی، مفهوم جامعه مدنی است که این جامعه مدنی، نقطه مقابل جامعه مهدوی است و از دو مفهوم تشکیل می شود؛ یک: جامعه ؛ دو: مدنیت. مدنیت و تاریخ از منظر جامعه مدنی و جامعه مهدوی از کنار هم جمع شدن انسان ها جامعه تشکیل می شود که یا به صورت ساده و بدوی و صحرایی است و یا روستایی و شهری. تبیین مدرنیته به این معناست که محیط روستایی، که محیطی عاطفی است به سمت محیط و جامعه شهری پیچیده که هر چیزی در آن برای خودش تعریفی دارد □ حرکت کند. اما مفهوم کلمه مدنیت به معنای

شهرنشینی است؛ یعنی آرام آرام شهرنشینی موضوعیت پیدا کند و افراد جامعه، علاقه مند به شهر نشینی شوند، ارزش های شهر نشینی در جان و دل آنان رسوخ کند و به تمدن برسند و متمدن شوند. در جامعه مهدوی شهرنشینی وجود دارد؛ ولی با آن شهرنشینی که در نظام غرب حاکم است، تفاوت دارد. بدوی نیست؛ ولی پیچیدگی مدرن را ندارد. چون در جامعه مهدوی، مبانی، درست گذاشته شده اند، لذا انسان ها کج حرکت نمی کنند تا برای آنها هزاران سیستم کنترلی نصب شود. تاریخ بشر را به دو بخش غارنشینی و شهرنشینی، متمدن و غیرمتمدن تقسیم می کنند. اما تاریخ در دکترین مهدویت با ویژگی های جامعه مدنی تفاوت دارد. تاریخ در دکترین مهدویت، برخلاف جامعه مدنی، به دو بخش عمده تقسیم می شود، یکی از ابتدای خلقت تا بعثت پیامبر اسلام (ص) و دیگری از هجرت پیامبر (ص) تا مهدویت. این دو بخش، سه مقطع را در بر می گیرد مقطع اول: از حضرت آدم (ع) شروع می شود و با حضرت ابراهیم (ع) که در زمان او ادیان ابراهیمی آغاز شدند- اوج می گیرد و در زمانی که آخرین دین ابراهیمی می آید، تمام می شود؛ یعنی با بعثت پیامبر (ص) اسلام که خاتم النبیین است. مقطع دوم: از زمان هجرت پیامبر (ص) و با ولایت حضرت علی (ع) در غدیر خم شروع می شود. و تا ظهور حضرت مهدی (عج) استمرار دارد؛ یعنی از ابتدای امامت تا انتهای ولایت. مقطع سوم: از ظهور حضرت مهدی (عج) تا روز قیامت. ویژگی های جامعه مدنی غرب برخی ویژگی های جامعه مدنی را در اینجا مورد بررسی قرار می دهیم. این ویژگی ها را در اروپا و مخصوصاً امریکا می توان مشاهده کرد. اولین ویژگی جامعه مدنی غرب، مفهوم «اومانیسم» است. اومانیسم، یعنی انسان محوری؛ یعنی انسان محور می باشد نه خداوند. دومین ویژگی جامعه مدنی غرب، مفهوم «سکولاریزم» است؛ یعنی فکر کردن برای آخرت، تعطیل، یعنی همه چیز باید برای همین دنیا برنامه ریزی شود. سومین ویژگی جامعه مدنی غرب، مفهوم «لیبرالیسم» است، که به معنای اباحی گری است؛ یعنی همه چیز مباح است و می توان آن را انجام داد. چهارمین ویژگی جامعه مدنی غرب، مفهوم «اینديويزاليزم» است؛ یعنی فردیت انسان مهم است نه چیزی دیگر. ویژگی پنجم عبارت است از «امورالیزم» که به معنای نپذیرفتن اخلاق اجتماعی است و بی اخلاقی گری، ماهیت اصلی آن جامعه را شکل می دهد. این بی اخلاقی گری به خاطر وجود ویژگی ششم در آنجا است که عبارت است از «هدونیزم»؛ یعنی اصالت شهوت، یعنی بشر مجاز است که از تمام لذت های دنیوی بهره مند شود. ویژگی هفتم در آنجا این است که روابط بر اساس منافع می باشد و منافع نیز برای به دست آوردن سود بیشتر است، لذا دانشی که انسان در آنجا می آموزد، دانشی است که نفع مادی به او برساند گزاره اصلی جامعه مدنی در نظام معرفتی و علمی «سایتنیزیسیم» است، علمی که به باور تبدیل نمی شود. ویژگی دیگر عبارت است از جهان شمولی، یعنی نگاه جهان وطنی. آنها جهان را وطن خودشان می دانند؛ لذا تلاش می کنند جهان را غربی کنند و تمام ارزش ها و ویژگی های جامعه خودشان را در جهان ترویج دهند و همه مردم را مجبور کنند که آن مفاهیم و ویژگی ها را قبول کنند. ویژگی بعدی عبارت است از «نسبی گرایی»؛ چون در تمدن غربی، انسان محور است و برداشت های انسان هم نسبی است. پس هیچ چیز قطعی و

هیچ گذاره یقینی، در جامعه مدنی جایگاهی ندارد. ویژگی های جامعه مهدوی (جامعه هجری) یکی از مهم ترین تفاوت های جامعه مهدوی با مدنیت مفهوم «هجر» می باشد. هجر یک کلمه حبشی و به معنای شهرنشینی است. سؤالی که در اینجا مطرح می شود، این است که چرا در قرآن از واژه «هجر» استفاده شد، نه از واژه مدنیت؟! پاسخ این است که چون مدنیت، نوعی ایستایی و سکونت و ساکن شدن را در درون خود دارد، ولی در مهدویت، سکونت موضوعیت ندارد، بلکه «هجر» موضوعیت دارد. مهاجر بودن ارزش است. در این که مبدأ تاریخ در اسلام، هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه شد، نکاتی نهفته است. هجرت ارزش دارد. در قرآن هم همواره بیان شده است که: «ان الذین امنوا و هاجروا...» (۱) طبق معارف قرآن، هجرت کردن ارزش دارد، نه ایستایی و سکون، شهرنشینی در جامعه مهدوی همراه با حرکت و متعالی شدن است. پس هجرت و مهاجرت در مقابل تمدن می باشد. چه کسی گفته است که اسلام دنبال تمدن است؟ عدم درک درست از کلمات قرآن و معصومین (ع) این انحراف را ایجاد کرده است. در جامعه مهدوی، هجرت کردن و رفتن موضوعیت دارد. این که به حضرت مهدی (عج) می گوئیم صاحب الزمان، ریشه در همین مسئله دارد. زمان در حرکت است و هجرت نوعی حرکت است؛ این که به وضع موجود قانع نباشیم و به سمت جلو حرکت کنیم. جامعه پست مدرن غربی، به پایان تاریخ معتقد می باشد، ولی در تفکر مهدوی این امر باطل است. ما می رویم و مدام در هجرت هستیم. پس مشخصه اساسی جامعه مهدوی این است که یک جامعه هجری است و اولین ویژگی آن «اخلاق و اخلاق محوری» می باشد. چون پیامبر اسلام (ص) درباره بعثت خود فرموده اند: «من مبعوث نشدم مگر برای تکمیل اخلاق.» و اخلاق تکمیل نمی شود مگر به این که حضرت مهدی (عج) بیاید و اخلاق را در جامعه مجسم کند. پس بر خلاف جامعه مدنی که بی اخلاقی گری در آن موج می زند □ جامعه مهدوی یک جامعه ایمانی است و شهروند اصلی جامعه مهدوی، مؤمن است. غیر مؤمن در جامعه مهدوی جایی ندارد؛ لذا طبق این ویژگی، مفاهیم سکولاریزم و بی دینی و لیبرالیزم و اباحی گری که در جوامع مدرن و پست مدرن وجود دارند کنار گذاشته می شود. ویژگی دوم جامعه مهدوی «موحد بودن» آن است. در آن جامعه کفر و تثلیث جایگاهی ندارد، اصالت از آن خدا است. ولی در جامعه مدنی آنچه اصالت دارد، انسان است و بس. ویژگی سوم جامعه مهدوی این است که «متکثر» نیست. پلورالیزم و تکثرگرایی در آن راه ندارد، توحید گرا است، یک قبله دارد و یک قرائت دارد نه قرائت های متعدد. ویژگی چهارم جامعه مهدوی «ارزش مدار» بودن آن است. ضد ارزش نیست و اساسی ترین ارزش آن، مهاجر بودن است. هم هجرت در درون و هم هجرت در بیرون (آفاقی و انفسی). ارزش دیگری است که در جامعه مهدوی موج می زند «جهاد» است جهاد اکبر و جهاد اصغر. لذا دفاع فقط بر عهده نظامی ها نیست؛ بلکه تمام افراد جامعه باید این وظیفه را عملی کنند. ارزش بعدی «ذبیح» بودن و آمادگی برای شهادت است که بزرگترین ذبیح در اسلام، حسین بن علی (ع) است. در جوامع غربی دین را برای انسان می خواهند؛ ولی در مکتب مهدویت، این اسماعیل و حسین (ع) هستند که باید برای دین کشته شوند. البته ارزش شهادت طلبی بعد از

ارزش هجرت قرار دارد. ویژگی پنجم جامعه مهدوی «عزت مداری» است. در این جامعه، بین ذلت و عزت، مرز وجود دارد. این ارزش در مکتب عاشورا به اوج خود رسید. در جامعه مهدوی نیز زیر بار حکومت های ظالم رفتن معنایی ندارد. جامعه مهدوی، جامعه مسجد محور است، کانون اجتماعی، مسجد است. در جامعه مهدوی مشارکت معنا ندارد؛ بلکه تعاون معنا دارد. جامعه مهدوی در حج خلاصه می شود، فردی که حج می رود تمرین مهدویت می کند در سعی بین صفا و مروه، در آن طوافی که می کند، در آن قربانی ای که می دهد و پاک می شود و برمی گردد. وظیفه ما به عنوان یک منتظر در رسیدن به ویژگی های جامعه مهدوی □ که به برخی از آن ها اشاره شد □ چیست؟ حرکت، پایه زمان است و پایه حرکت، هجرت است. پس وظیفه یک شیعه منتظر این نیست که دم درب خانه بایستد تا میهمانش بیاید. وظیفه اصلی ما این است که حرکت و هجرت کنیم و برویم تا لایق هم رکاب شدن بشویم. برخلاف برخی ها که می گویند، باید دست روی دست بگذاریم تا خود آقا بیاید و کارها را انجام بدهد. استاد حسن عباسی پی نوشت ها: ۱. سوره انفال، آیه ۷۲: کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند <http://mkeivan.blog.ir/۱۳۹۲/۱۰/۱۳/Civil%۲۰Society>

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظرم نکات خوبی را جناب آقای دکتر عباسی در مورد جامعه هجری می فرمایند ولی فراموش نفرمایید که ما از حضور در جامعه‌ی مدنی گریزی نداریم و از همین جهت رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» و علی «علیه السلام» در زمان حاکمیت خود جامعه را در حالت مدنیت به هم نزدند بلکه به کمک اسلام کاری کردند که ضعف های جامعه‌ی مدنی کم شود و برکات آن زیاد گردد. موفق باشید